

محمد رضا رضایی

میرداوول گفت: ای پیر، چند صباحی بود که در ناحیه قوزک پا احساس دردمی کردم ولی حیف بود به خاطر یک قوزک ناقابل پول دکتر بدهم. فلذا به توصیه باجناق دو عدد قرص کلوفیدوگرل زدم که از آن روز به بعد دیگر قوزک پایم درد نکرد. یعنی کلاً هیچ جایم درد نکرد. چون به طور کامل بی حس شده‌ام و ویلچر نشین.

پس دیگری گفت: پیرا من به علت حاقی

یکشنبه: اسنادی از کپی بودن تز دکتر نخست‌وزیر یکی از کشورهای غرب مبادا گاسکار در روزنامه‌ها منتشر شده و مدیر موسسه به فکر تأسیس شعبه دوم موسسه پژوهشی مجاز در آنجا افتاده است. شاید من هم بروم.

شنبه: هم‌گم، دوشنبه هفته‌قبل: بایکی از مشتری- باقه‌ها برای پاره‌ای در تحقیقات میدانی رفتیم به سطح جامعه تا فادامیجش تحقیق کردیم.

پنجشنبه: امروز باید ۱۱ مقاله ISI آماده می‌کردم، مدیر موسسه گفت بکنش ۱۳ تا، اینها چه فکری می‌کنند، مگر خم‌رنگری‌ست؟ کلی کار می‌برد تا عناوین و اسامی استادان و دانشجوین جدید را با محققان و استادان قبلی عوض کنم. امروز دیرتر باید بروم خانه!

جمعه: نگذا! نیست! امروز بروم خانه است

شنیه: موسسه ریز زمین است، مغازه بالایی آمیوه و بستنی می فروشد، اینجا مورچه زیاد دارد، زندگی مورچه ها را دنبال می کنم و عکس می گیرم، به درد مقاله حشره شناسی می خورد. آن وقت می گویند مقالات کیپی است، این را چه می گویند؟!

یکشنبه: امروز صاحب موسسه مجبور کرد تا اکت پخش کنم. هیچ تحقیقی از این کار خوشش نمی‌آید. برای تلافی، فردا فصل‌ها را جابجا و ترکیبی می‌زنم.

دوشنبه: خیلی خواب می‌آید، امروز شنیدم گفته شده که ۹۰ درصد پایان‌نامه‌ها کپی است. مجبور شدم خودم یک تحقیق پیمایشی در خصوص میزان کپی بودن پایان‌نامه‌ها و رابطه آن با مدرک گزایی مفرط، تعریف کنم.

چند مقاله دیگر کپی تمام می‌شود. من گوید نتیجه تحقیق، با کپی‌های دقیق، می‌گویند

ناصر جوادی

راه رسیده، نرسیده به میز رو کشیدم
 مردم وسط بوفه و از همه خواستم
 آن دور میز جمع بشنن تا پی به علت
 سداهای عجیبی که از آسمون آستانرا
 شنیده شده» بپریم و به عنوان قضا
 یه فکر کرده جامعه کج جواب علمی
 منطقی برای این پدیده کشف و از
 سنترش شایعات جلوتری کنیم.
 جید دانشجوی ترم سوم ادبیات گفت:
 «صدا، صدای شکستن بغض آسمون
 نشن کش که در فراغ بار از سواد دلش
 ریاد میکشه! به قول شاعر فرزانه بهزاد
 کس «آسمون دلش گرفته بگو گریه
 نه، راستی اون حلقمون هنوز دسسته؟
 دل خودت دیگه نترسم پی بد!»
 تصور دانشجوی ترم هفت جغرافیا
 گفت: به خاطر قرار گرفتن آستانرا در
 انشیه کویر لوت و آب و هوای گرم و
 خشک این صدا در نتیجه اختلاف
 هوای شب و روز و انقباض و انبساط
 سمون ایجاد شده!

بنیم قلی خانی استاد رسته هنر که
برای گرفتن آب معدنی اومده بود تو
رفه گفت به تو خیر، در فرایند خورشید
نشسته به دور زمین، وقتی خورشید
محدوده آسمون آستانرا راقتی احتمالا
سی براش دست تگون داده و اون هم
قره زده!

شگند دانشجوی ترم چهار اختر
ناسی در حالی که داشت جژه‌اش
تلیت می کرد توی لیوان نسکافش
تفت: خورشید، این بار که اومدی دور
بین بچرخ می منه با خودت بیر!

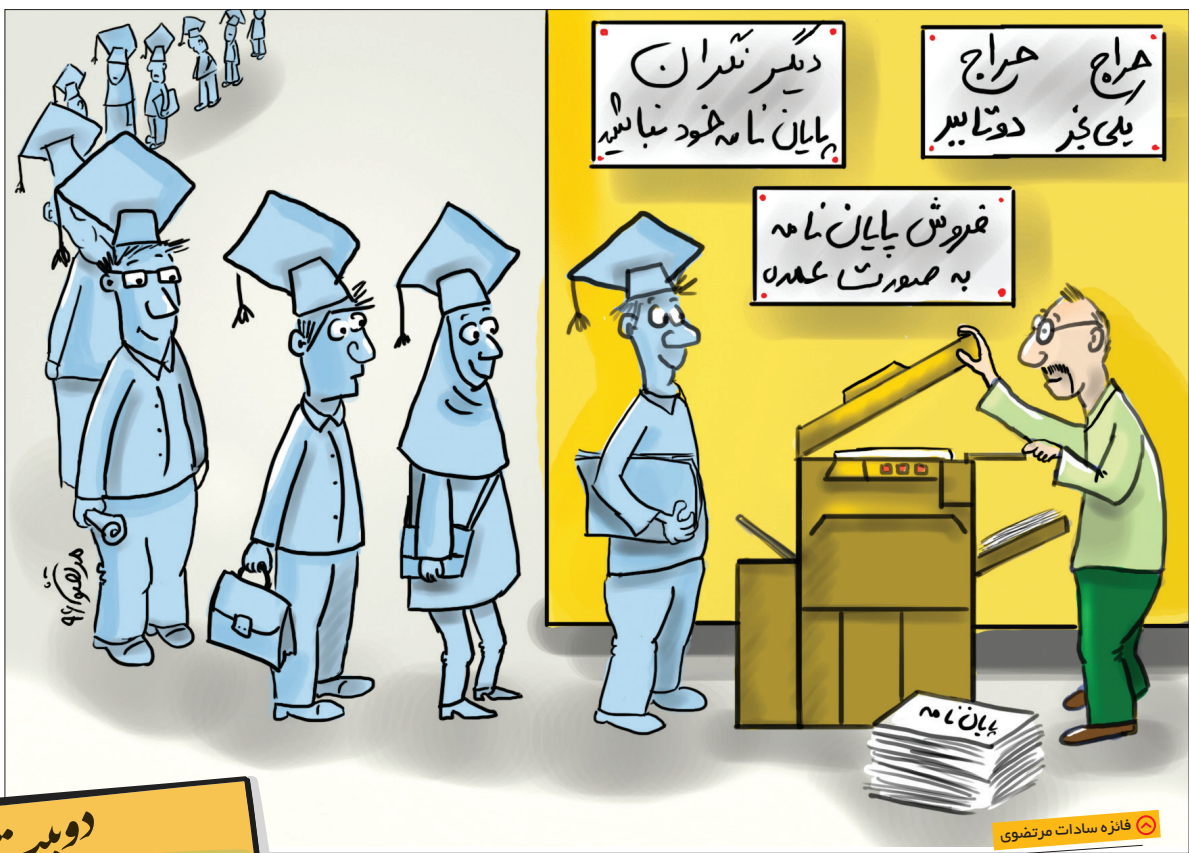
تحت حبابی داغ شده بود دانشجوهایی
شته های مختلف مشغول ارائه نظرات
لمی شون در رابطه با این پدیده بودن
ه، کامران کارگر بوفه اومده و گفت:
خبر کن که مشخص شد شایعه بیزو
صداهام ساختگی. پاشین میوه
شکین سر جاش باید بوفه رو جارو کنم!



ستاکرام، اتفاقات جالبی افتاد. اگر این شرایط کرد:

۱. ده ها میلیون کاربر از گرسنگی جان باختند. ۲. غذا قبل از اینکه در معده شان برود، روی

محمد امین میمندیان



فائزہ سادات مرتضوی

دوبیت خبر

سرمد رهبر: بسیاری از پایان نامه ها کپی است

از هیچ‌کس خودم، کردم ISI تولید»
از دروغ خفت، سقف فلک هم ترکید
آنقدر کپ زده‌ای از همه جا، در کیبورد
دکمه «کنترل» و «سی» و «وی» از هم پاشید.

فرہیمہ انوری

عارف: پسر م همیشه شاگرد اول بوده

پسرم مثل من شدی بابا، پسرم افتخار ایرانی
 تو امید دل همه هستی، سرور شهر ایده آلانی
 سرم هر چه جایزه بوده، مثل بیل مکانیکی برد
 جان بابا فدای زن هایت، نوش جانت هر آنچه که
 خور دی.

میر معظمی

قابلہ؛ پر زغم و ماتمہ

فروغ زال

باز ما قایلمه‌های بخت برگشته باید خیلی برگشته باشیم که اسیر خوابگاه شویم. مورچه‌ها یکتا برابر وزن شان بر تحمل می‌کنند، ما باید ۱۸ نفر ظرفیت‌مان گنجایش داشته باشیم. آن هم گنجایشی که به ازای هر نفر آویزان تر، فقط راری آب اضافه می‌شود و تاوان این شرایط اسفناک ماییم و قاشق کنده. همراهِ یک لیله فلز از ما می‌کنند تا غذای تمام شده را جبران کنند. می‌باشید اگر از یک بچه خوابگاهی قایلمه‌ای درخواست کنید، گویند: «همان تنبکی را می‌گویند که در آن می‌شود ما کارونی و دمپخت؟» و شما با قافله‌سایک می‌شع مواجه می‌شوید که دوباره هایش آب جوشوخه، زبش را آوده سایک و دروشن اثرات طرفی از خلوط سیاه خسته دانه‌های برنج مشاهده می‌شود و اگر هم روزی روزگاری قایلمه نون بوده، باز هم همان اثرات ظرف طرف خلوط سیاه را مشاهده می‌کنید، بنابراین نه رد تریه سوخته، بلکه در خراش‌های بی‌رحمانه قاشق برای آخرین روزنامه‌اند از غذا، می‌بینید.

بیت ۴ سال سوختن و پختن ماهم می شود یک دسته سوخته بدقواره ای هـ مثابه کره ماه، چاله چوله دارد و فرشش نشریات دانشگاه و سقف سرش یک بشقاب و ملامین ترک خورده سوخته است.

یخچال ۵ فوتی یاداروخانه شفا

زهرا جمالی

و مرض. از دل درد و سرگیجه تا قطع عضو و نخاع. خداییش شما هم باشید بیکار هستید با این اوصاف بروید کلی پول ویزیت و دارو بدهید؟

ج- هر ایرانی یک یخچال پنج فوتی یا داروخانه شفا: یخچال‌های ایرانی از دیرباز علاوه بر نگهداری حجم عظیمی از مواد خوراکی، بخشی را نیز به انبار کردن دارو اختصاص می‌داده‌اند که افراد را از مراجعات متعدد به پزشک باز می‌دارند. به راستی هم که یخچال فریزری که داخل دارو نباشد برای یک ایرانی هیچ فوایدی کم ندارد.

در پژوهشی که به تازگی منتشر شده است نرخ مصرف خودسرانه دارو در ایران سه برابر متوسط جهانی اعلام شده که آن‌شاء... اگرچه معطیان ما به همین فرمان پیش بروند، اگر در قرضیه «مصرف بی‌رویه» بعد از مواردی همچون آب و برق و گاز و بنزین رسماً سه سورا به سایر کشورها زده‌ایم و با قدرت در صدر جدول این دسته از نه‌چند چنانی قرار خواهیم گرفت. یافته‌های نه‌چند تازه پژوهشگران، ویزیت بالای پزشکان را عامل مهمی در عدم آگاهی عمومی مردم در مراجعه به پزشکان می‌دانند که در نهایت منجر به مصرف خودسرانه دارو می‌شود. اما در کنار آن موارد دیگری نیز وجود دارند که در زیر به بررسی آنها می‌پردازیم.

الف. منشی‌های مرط: منشی‌ها به منشی‌های طب که گوندا نادار از «ملّه» گویان و متخصص در کشیدن حرف شین هستند امروزه شاید یکی از مهم‌ترین عوامل ناراضیاتی بیماران در مراجعه به طب و درمانگاه هستند. آنجا که شاعر

می فرماید: «تنت به
ناز منشی طیبیان
نیازمند مباد
حافظا! تو خود
حدیث مفصل
بخوان از این
مجمل»
ب - چایی
نبات: مؤثر
در درمان
نوع بیماری



فیروزہ مظفری

بانکداری اسلامی

سید محمد حسینی

ی فدای تو هم دل و هم جان
ی شده صحبت تو، ورد زبان
شود مشکل تو حل، دادند
ست در دست هم، زمین و زمان
چه ماندی مجرد و تنها؟
برک دلبر نموده ای اینسان
صحت خرج و مخارجش شاید
کرده فکر و دل تو را داغان
قفا درد تو اگر مالیست
ارد این درد، البته درمان
برده حل مشکل مخارج را
ن گمان بانک داخل ایران
ی دهد زود، وام بی توبت
ست به تو، هم به همسرت یکسان
ست مقدار وام، فوق نیاز
اری از سود و دیرکرد و فلان
غرض کرده بانک ایرانی
ختی ازدواج را آسان
لذا انتهای خوشنامی است
نکداری فوق اسلامی است
ی که هستی پراز نداری ها
برده عاصیت، بی قراری ها
ست کاری مناسب شأنت
به جدایت کند ز خواری ها
رچه تحصیل کرده ای، هستی
ماز راضی به حمل گاری ها
به ریالی درون «سیاییت»
به دلاری درون جاری ها
دهه دیگر خراب، امالت
یخته کوه استواری ها
غل آزاد هم که قیلا بود
دهه نایاب چون اداری ها
به توان خرید مسکن هست
نه حتی همین اجاری ها
ماز حل می شود همین مشکل
ن گمان تو ی بانکداری ها
ی دهد وام اشتغال به تو
بهایی ز سود، عاری، هه
لذا انتهای خوشنامی است
نکداری فوق اسلامی است

